

کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی: روند رسیده‌گی به شکایت‌ها علنی خواهد بود



کمیسیون بررسی شکایت‌های انتخاباتی افغانستان اعلام کرد که از هفته آینده روند رسیده‌گی به شکایت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای ولایتی کشور شروع می‌شود و همه رسانه‌ها، جامعه مدنی، احزاب سیاسی و مردم می‌توانند در این روند شرکت کنند.

نادر محسنی، سخنگوی این کمیسیون می‌گوید که رسیده‌گی به این شکایت‌ها به صورت علنی خواهد بود و این کمیسیون موظف است تا به تمامی شکایت‌های درج شده مطابق احکام قانون انتخابات افغانستان رسیده‌گی کند.

او افزود که تمام کسانی که شکایت کرده‌اند... ادامه صفحه ۶

جای خالی طرح جامع در انتخابات ریاست‌جمهوری



چنین اجندایی که شاید نزد نخبه‌گان وجود داشته باشد، می‌تواند یک گام مهم هم برای استفاده بهتر از فضای انتخاباتی باشد و هم رفتن به سمت آینده روشن افغانستان که مبتنی بر رفاه نخبه‌گان سیاسی باشد را ایجاد کند.

اجندای ملی این تقاضا را دارد که تمامی نامزدان قبل از آغاز مبارزات انتخاباتی در یک بسته سیاسی در مورد مقررات و مبارزات انتخاباتی به تفاهم رسیده و آن را رعایت کنند.

برگزاری انتخابات برای عبور از وضعیت موجود و اوضاع پس از ۲۰۱۴ و با صرف نظر از اینکه کی برنده است و کی بازنده، یک فرصت بسیار مناسب است.

شرایط و برخورد کمیسیون انتخابات نشانگر عدم برگزاری یک انتخابات شفاف و قابل قبول برای همه‌گان خواهد بود.

در برگ‌ها

حضور آگاهانه در انتخابات امیدها و فرصت‌های ارزنده ملی به‌بار خواهد آورد

پراکنده نویسی‌هایی در باب فلسفه

پرتو نادری در وسط امر «نوشتن شعر»

در سلسله گفت‌وگوهای اجندای ملی دومین نشست مشورتی اجندای ملی - هرات

تحویل ۳۰ بالگرد روسی به ارتش افغانستان در سال ۲۰۱۴



بالگرد جدید را سفارش داد که آخرین آن در ماه اکتبر تحویل داده شد. مسکو و واشنگتن سپس امسال ضمیمه جدید این قرارداد را امضا کردند و براساس آن برای تحویل ۳۰ بالگرد دیگر به کابل که قرار است در سال ۲۰۱۴ انجام شود، متعهد شدند.

این قرارداد در مجموع تحویل ۶۳ فروند بالگرد را به ارزش بیش از یک میلیارد دلار که براساس بهای ۲۱ فروند بالگرد اولیه محاسبه شده است، شامل می‌شود. تحویل بالگردهای روسیه به نیروهای مسلح افغان که به سال ۲۰۰۹ باز می‌گردد، نشانه‌ی از نزدیکی بین مسکو و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است.

پس از بیش از یک سال مذاکرات بیهوده بین روسیه و ناتو، واشنگتن تصمیم گرفت هزینه تحویل این بالگردها را به عهده گیرد. شمار بسیاری از اعضای ناتو می‌خواستند

شرکت روسی مسوول صادرات تسلیحات اعلام کرد روسیه پیش بینی می‌کند سال آینده ۳۰ فروند بالگرد را که امریکا (از روسیه) خریداری کرده است، به ارتش افغانستان تحویل دهد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، این اقدام در چارچوب قراردادی صورت می‌گیرد که در مجموع تحویل ۶۳ فروند بالگرد را به افغانستان در نظر گرفته شده است.

شرکت دولتی روزوبوروناکسپورت Rosoboronexport در سال ۲۰۱۱ قراردادی را به ارزش ۳۷۵ میلیون دلار برای تحویل ۲۱ فروند بالگرد ام‌ای ۱۷ MI-17 به کابل امضا کرده بود. این شرکت دولتی در بیانیه‌ی اعلام کرد اجرای این قرارداد در نیمه سال ۲۰۱۲ خاتمه یافت و از آن پس دو بخش دیگر نیز مکمل آن شده است.

در این بیانیه آمده است، در سال ۲۰۱۲، واشنگتن ۱۲ فروند

نماینده امریکا: تلاش برای صلح در افغانستان دیر آغاز شد



سرگیری عملیات مسلحانه خود را فراهم کند. در پی مخالفت طالبان با گفت‌وگوی مستقیم با حامد کرزی و شورای عالی صلح، امید موفقیت گفت‌وگوهای صلح کاهش یافته است. تلاش برای برقراری گفت‌وگو بین طالبان و دولت افغانستان ماه جون شکست خورد.

جیمز دابینز نماینده ویژه امریکا در امور افغانستان و پاکستان معتقد است اگر تلاش برای آشتی با اعضای طالبان - که به پذیرش قانون اساسی جدید افغانستان تمایل دارند - زودتر آغاز می‌شود، تلفات خشونت‌ها کاهش می‌یافت و قدرت جنگجویان طالبان کاهش می‌یافت.

به گزارش اسوشیتدپرس از لندن، دابینز روز جمعه اعلام کرد اقدام سریع برای صلح با طالبان از تجدید فعالیت جنگجویان جلوگیری می‌کند و به این ترتیب از قدرت آنها می‌کاست. فرستاده امریکا این سخنان را پس از آنچه گفت‌وگوهای عادی با وزارت امور خارجه انگلیس نامید، بیان کرد.

وی گفت تمرکز امریکا بر عراق به طالبان فرصت داد ضمن تجدید قوا، پول مورد نیاز برای از

سفیر پیشین پاکستان در امریکا: پاکستان خواست‌های خود را بر افغانستان تحمیل می‌کند



سفیر پیشین پاکستان در ایالات متحده امریکا می‌گوید که کتابش این موضوع را بررسی می‌کند که با وجود ارتباطات نزدیک بین امریکا و پاکستان چرا این دو کشور از هم فاصله دارند.

به گفته او، موضوع اساسی این است که... ادامه صفحه ۶

عبدالقهار سروری

حضور آگاهانه در انتخابات امیدها و فرصت‌های ارزنده ملی به بار خواهد آورد



با در نظر داشت این که افغانستان در چه وضعیت و موقعیتی قرار دارد و باورها - در داخل و خارج - نسبت به سرنوشت این کشور تا یک سال دیگر چه گونه است؛ مردم مکلفیت دارند که به گونه همه گانی، آگاهانه و حسابی در پروسه انتخابات سهم بگیرند و با رأی عاقلانه و منصفانه خود، آینده روشن و ارزنده‌ی را برای مملکت خویش به ارمغان آورند. چرا که در عصر حاضر و در روندهای ارزشمند انسانی، هموارسازی راه‌های دشوار و پُرمناغ را فقط رأی مردم و انتخابات همه گانی ممکن می‌سازد.

از آنجا که انتخابات و استفاده از رأی مردم برای رقم زدن سرنوشت سیاسی و کاری در افغانستان، سابقه‌ی چندین طولانی نداشته و تجارب اندک در بیشتر از یک دهه اخیر نیز با یک سلسله مشکلات و بی‌باوری‌ها همراه بوده است، اکثر مردم ما هنوز به گونه دقیق، از مزایا و ارزشمندی انتخابات و نیروی تأثیرگذار رأی خود در روز انتخابات بی‌خبر استند؛ بنابراین لازم است که برای

حضور گسترده و آگاهانه مردم در انتخابات، استفاده حسابی و عاقلانه آن‌ها از سازنده‌ترین امتیاز دست‌داشته‌شان (حق رأی)، می‌تواند امیدها و فرصت‌های مهم و سرنوشت‌سازی را برای افغانستان و ساکنان این سرزمین به دنبال داشته باشد.

مردم همواره از مشکلات و نابه‌سامانی‌های مداوم در کشور، شکایت داشته و از عدم توجه کاربه‌دستان به خواست‌ها و منافع‌شان اظهار ناراحتی می‌کنند، که بدون شک تداوم مشکلات و عدم رضایت مردم از شرایط حاکم در کشور، به یک بازنگری جدی در سیستم کاری و چه‌گونه‌گی حضور مردم در تصمیم‌گیری ملی نیاز دارد. بدیهی است که تنها با شکایت و اظهار مداوم بی‌باوری‌ها به سیستم کاری در مملکت، هیچ مشکلی حل نمی‌گردد و تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که هیچ‌کس به شکایات و ناراضی‌های مردم توجه جدی نخواهد کرد مگر این که خود مردم هنگامی که صلاحیت تصمیم‌گیری دارند، با استفاده از رأی و صلاحیت قانونی و حقوقی خویش، خواست‌ها و آرزوهای مشروع و ملی خود را به گونه‌ی تحقق بخشند که دیگر مجال کمتری به شکایات و نابه‌سامانی‌ها باقی بماند.

تجارب گذشته و عدم رضایت اکثریت مردم از شرایط حاکم در کشور، نشان‌دهنده آن است که در گذشته تصمیم مردم با مشکلاتی همراه بوده و یا هم با سهل‌انگاری، مردم نخواستند که از حق مشروع و سرنوشت‌ساز خود (رأی‌دهی) به گونه درست و منطقی استفاده کنند. اکنون یک بار دیگر مردم فرصت تصمیم‌گیری و تعیین نمودن سرنوشت سیاسی و کاری در کشورشان را به دست آورده‌اند تا با رأی خود، سرنوشت حاکم بر مملکت خود را شکل دهند. اگر مردم با در نظر داشت نابه‌سامانی‌های گذشته و سرنوشت‌ساز بودن نتایج انتخابات سال آینده خورشیدی در کشور، به گونه همگانی از پروسه انتخابات حمایت نموده و به‌طور آگاهانه در انتخابات شرکت نمایند، بی‌تردید ضمن برآورده شدن خواست‌های برحق آنان، یک صفحه جدید از امیدها و فرصت‌ها در افغانستان باز خواهد شد.

سهم‌گیری در انتخابات و رأی‌دهی برای رقم زدن آینده سیاسی و اجتماعی در کشور، یک موضوع ساده و تفریحی نیست؛ بلکه یک رسالت و مسوولیت مهم و سرنوشت‌ساز ملی برای تمام افراد و اجد شرایط در افغانستان می‌باشد. تمام مردم این سرزمین، همان گونه که حق رأی‌دهی دارند، این مکلفیت را نیز دارند که در پروسه انتخابات به گونه آگاهانه و گسترده اشتراک نموده و یک آینده خوب و روشن را برای مملکت و مردم خود تضمین نمایند. عدم اشتراک مردم در انتخابات و یا هم عدم دقت آن‌ها در پروسه رأی‌دهی، باعث ازدیاد مشکلات و تداوم شکایات‌ها از روند جاری در افغانستان خواهد شد. پس لازم است که تمام مردم به گونه عاقلانه

و حسابی و به صورت آگاهانه، در پروسه انتخابات سهم گرفته و با استفاده از رأی به‌موقع و به‌مورد خود، فصل تازه‌ی از امیدها و فرصت‌ها را برای خود، ملت و کشور خویش به ارمغان آرند.

روشن‌سازی افکار عامه پیرامون این موضوع و تشویق مردم به سهم‌گیری در انتخابات، تلاش‌هایی لازم و مفید صورت گیرد. دولت افغانستان، احزاب و گروه‌های فعال سیاسی و اجتماعی، نهادهای جامعه مدنی،

سخن‌ماندگار

متن و حاشیه جرگه مشورتی صلح

قرار است تا پایان ماه جاری، جرگه مشورتی صلح برگزار گردد و نصب تابلوهای تبلیغاتی این جرگه بر فراز جاده‌های مزدحم نیز حاکی از آن است که حکومت شدیداً روی کارکرد این جرگه حساب باز کرده است.

آنچه بهانه برگزاری این جرگه را خلق کرده است، رأی‌زنی بر سر پیمان امنیتی افغانستان با ایالات متحده است که گویا صلاحیت امضای این پیمان را فقط مردم افغانستان دارند و انگار این جرگه نظر قاطبه ملت افغانستان را با خود خواهد داشت. پیرامون این که آیا جرگه مشورتی صلح، بنیاد قانونی دارد و یا این که آیا راه رسیدن به نظر عمومی، جرگه است یا مجلس نماینده‌گان؛ بحث‌های زیادی صورت گرفته و در نهایت نتیجه گرفته شده که جرگه مشورتی صلح نه تنها که بنیاد قانونی ندارد، بل هدف مشخصی را دنبال می‌کند که باید آن را در تحلیل‌هایی جست‌وجو کرد.

اما پیش از این که به هدف این جرگه بپردازیم باید اشاره‌ی بکنیم به سفر آقای کرزی به لندن و آن چه در آن نشست مطرح شده است. سفر آقای کرزی به لندن در هفته گذشته حاوی یک نکته تکراری اما مهم بود. این که باید پاکستان باید پیش در برگشت صلح و ثبات در افغانستان سعی به خرج دهد و این سعی به خرج دادن پاکستان، شامل دو مسأله دیگر است که یکی پاکستان باقی زندانیان طالبان را آزاد سازد و دیگری، ملا برادر (زندانی ارشد آزادشده طالبان) باید زمینه گفت‌وگو با سایر رهبران طالبان را فراهم کند.

اندکی تأمل نشان می‌دهد که این سفر آقای کرزی به لندن رابطه مستقیمی با برگزاری لویه‌جرگه مشورتی دارد. گمانه‌زنی بر آن است که هدف عنوان‌شده لویه‌جرگه تنها یک نام است اما در باطن، این لویه‌جرگه به‌جز از چند موردی که عمده آن در نشست لندن عنوان شده، به چیز دیگری نخواهد پرداخت.

مورد نخست، ادامه مذاکره با طالبان است که اینک سعی و تلاش در راستای آن جریان دارد. به نظر می‌رسد که این لویه‌جرگه صدای موافقت با طالبان را به‌صورت شدید بلند خواهد کرد. این که آیا ملا برادر زمینه گفت‌وگو با اعضای ارشد طالبان را فراهم کرده خواهد توانست و یا نیز آیا طالبان مذاکره با دولت افغانستان را خواهند پذیرفت و یا خیر، معلوم نیست؛ اما در این تردیدی نیست که جرگه از این روند حمایت می‌کند و حتا دستور رهایی تمامی زندانیان طالبان را - چه در زندان‌های پاکستان باشند، چه در افغانستان - صادر خواهد کرد. تمامی این برنامه برای آن صورت می‌گیرد که زمینه مذاکره با طالبان فراهم گردد و آنان به قدرت فرا خوانده شوند.

مورد دوم، بر فرض اگر طالبان مذاکره با دولت افغانستان را بپذیرند و به روند صلح بپیوندند، بی‌تردید که آنان نیز خواسته‌هایی دارند، از جمله تغییر نظام و برقراری شوونات اسلامی مطابق تفسیر طالبانی. با توجه به سیاست‌های حکومت آقای کرزی، از احتمال به دور نیست که به خواسته‌های طالبان تمکین شود و در نتیجه، این تمکین به تغییر نظام منجر شود. اما این تغییر نظام تنها و تنها بنا به خواسته‌های طالبان صورت نمی‌گیرد، بل می‌تواند هدف گروهی و شخصی آقای کرزی را نیز برآورده سازد؛ زیرا او از طریق این جرگه می‌تواند به‌ساده‌گی قدرت‌ش را تا مدتی دیگر ایفا کند. بنابراین می‌توان گفت که این جرگه، امکانی است برای بلند کردن صدایی مبنی بر تغییر نظام مطابق میل طالبان و شخص آقای کرزی.

مورد سوم، مسأله پاکستان است. به این معنا که تقاضای مکرر آقای کرزی از پاکستان مبنی بر مذاکرات صلح، باعث شده که پاکستان نیز خواسته‌های خود را مطرح کند. گفته می‌شود که یکی از این خواسته‌ها، نیستن پیمان امنیتی افغانستان با ایالات متحده است. همان گونه که روشن است، پاکستان هرگز طرف‌دار یک افغانستان مقتدر نبوده است و اینک نیز سعی دارد تا پیمانی که قرار است با ایالات متحده منعقد شود، به نتیجه نرسد. این سخن به معنای آن نیست که بستن پیمان امنیتی با ایالات متحده، حتماً به سود افغانستان است. بستن این پیمان شرایط و مقتضیات دیگری دارد که باید سنجیده شود، ولی مسلماً نباید در دولت آقای کرزی به امضا برسد. اما در هر صورت، انتقادی این پیمان یکی از خواسته‌های پاکستان است که احتمالاً در جرگه پیش‌رو مطرح خواهد شد.

از این رو می‌توان گفت که جرگه مشورتی صلح، می‌تواند به هر کار دیگری مبادرت ورزد به‌جز از رأی‌زنی درباره پیمان امنیتی افغانستان با ایالات متحده. مگر این که برگزارکننده‌گان این جرگه از همین حالا اجندای این جرگه را مشخص کرده و به مردم اعلام نمایند و نیز ضمانت تطبیق اجندای جرگه را فراهم آورند.

خلأ قدرت در خاورمیانه

موجب عزل شدن امیر و مغز متفکر سیاست خارجی آن شد. عربستان نیز به دنبال آن است تا رهبری یک ائتلاف تقویت شده مربوط به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و همچنین هم‌پیمانان ضعیف و وابسته به خود نظیر اردن و مصر را بر عهده بگیرد اما شکست‌های این کشور در سوریه نیز محدودیت‌های پول آن و تحریک‌های فرقه‌ای آن را نشان داده است و اقدام آن برای کسب رهبری منطقه‌ای احتمالا همان راه قطر را خواهد رفت.



همچنین کشورهای غیر عرب منطقه نیز بسیار دور از آنکه یک قدرت بزرگ حقیقی باشند، هستند. تلاش ترکیه برای به دست آوردن رهبری منطقه که چند سال پیش دست کم در انقاره بسیار امیدوارکننده به نظر می‌رسید، به دلیل وضعیت سوریه و نارضایتی داخلی از بین رفت. بحران اقتصادی ایران و انزوای سیاسی آن نیز تبعات خود را داشته است. مفهوم مقاومتی که این کشور با تأثیر زیاد در اواسط دهه ۲۰۰۰ ایجاد کرد، از بین رفته و کشورهای عربی کمی امروز برای رهبری چشم به تهران دارند. اسرائیل نیز نفوذ کمی اعمال می‌کند و پشت دیوارهای امنیتی واقعی و مجازی خود گرفتار شده است و با سوءظن چشم به ایران و آمریکا دارد و با انفعال، از بین رفتن دورنمای راه‌حل دو کشوری با فلسطینی‌ها را نظاره می‌کند.

در سطح سیاست‌های داخلی کشورها شکست قدرت حتی واضح تر است. تقریباً هر کشور منطقه تا حدی از ناتوانی و ضعف دولت خود، بن‌بست سیاسی و همچنین شکست مدیریت رنج می‌برد. واضح‌ترین مثال این مسئله کشورهای هستند که به شدت تلاش می‌کنند دولتی را در خود سرپا نگه دارند. در لیبی شبه نظامیان با خرسندی نخست‌وزیر را می‌ریزند تا ثابت کنند دولت هیچ انحصاری بر ابزارهای مشروع خشونت ندارد. دولت یمن که همواره ضعیف بوده تقریباً در بیشتر بخش‌های کشور کارایی خود را از دست داده است و ظهور جدایی‌طلبان در جنوب آن تمامیت ارضی این کشور را به خطر انداخته است. در سوریه نیز هیچ دولتی چه متعلق به بشاراسد و چه دولت انتقالی پس از وی بعید است که بتواند کنترل جدی بر یک کشور در هم شکسته که هر چه بیشتر تحت تسلط گروه‌های مسلح محلی قرار می‌گیرد، اعمال کند.

این آسیب‌شناسی‌ها محدودیت‌های واقعی قدرت رهبرانی را که می‌خواهند حکومت‌های نیمه خودکامه را دوباره احیا کنند آشکار می‌سازد. نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق عمیقاً گرایش استبدادی خود و تمایل برای متمرکز کردن تسلط را در جریان هفت سال قدرت خود نشان داد. اما دولت عراق هرگز نتوانسته خود را از میراث صدام و یا شوک ویرانگر اشغالگری آمریکا و جنگ داخلی بازیابی کند. مالکی اکنون نه فقط با جدا شدن دو فاکتوی مناطق کرد نشین رو به رو است بلکه با وخامت سریع تسلط دولت که حتی در مناطق بزرگ استان‌های سنی نشین غربی حضور آن زیر سؤال رفته و همچنین با تلاش‌های مداوم گروه دولتی اسلامی عراق و شام برای پاک کردن مرز عراق با سوریه رو به رو است.

گفت: همه ما این مسئله را که همه در سراسر جهان مورد جاسوسی قرار می‌گیرند، به مسخره می‌گیریم، اما این یک توجیه امنیت ملی نیست.

کیت الکساندر نیز به شدت به این مسئله واکنش نشان داد و مدعی شد که سفرا در دستور فعالیت‌های جاسوسی دست داشته‌اند. وی افزود: این یک سؤال بسیار خوب و بجا است چرا که در حقیقت شما به عنوان یک سفیر بخشی از این پاسخ هستید. آژانس‌های اطلاعاتی درخواست‌ها را ارائه نمی‌کنند بلکه سیاست‌گذاران و دیپلمات‌ها درخواست‌ها را ارائه می‌دهند.

هم‌زمان با اینکه آژانس امنیت ملی آمریکا دولت اوپاما را برای دستور انجام برنامه‌های نظارتی گسترده از شهروندان اروپایی مقصر می‌داند، کاخ سفید در تلاش است تا از این رسوایی فاصله بگیرد.

در چند ماه گذشته در خاورمیانه بن‌بست ایجاد شده است. وضعیت مصر از زمانی که کودتای نظامی جنرال عبدالفتاح السیسی و پاکسازی خونین تحصن میدان رابعه‌العدویه رخ داد، به هیچ نتیجه‌ی منجر نشده است. جنگ داخلی سوریه نیز یک بن‌بست ویران‌گر است که از زمان تبدیل شدن قیام این کشور به یک مبارزه مسلحانه، اجتناب‌ناپذیر بوده است. ایران و آمریکا نیز با وجود اقدامات دیپلماتیک مقدماتی هنوز به تغییرات ملموسی دست پیدا نکرده‌اند.

مشخصه ساختاری اصلی که به خاورمیانه امروز شکل می‌دهد از نظر من انحلال قدرت است. در نخستین روزهای قیام کشورهای عربی این حقیقت در سقوط رهبران طولانی‌مدت و بروز اعتراضات مردمی علیه نظم سابق هویدا بود. اما این قیام‌ها نتوانستند حکومت جدید پایداری خلق کنند و قدرت جنبش‌های مردمی منجر به فرقه‌گرایی، چند قطبی شدن فضای سیاسی و در بدترین وضعیت نظیر مصر، به کودتای دولت شده است.

در این وضعیت محو شدن قدرت را می‌توان در چندین سطح بررسی کرد؛ در سطح نظام بین‌المللی که در آن منازعات آمریکا هم سطح با ظهور قدرت‌های رقیب نیست؛ در سطح منطقه‌ای که فقدان یک قدرت بزرگ جدی و واحد وجود دارد؛ در سطح سیاست‌های داخلی که در آن تقریباً همه کشورها از بی‌کفایتی نهادینه شده رنج می‌برند؛ در سطح جنبش‌های سیاسی که در آن سازمان‌های قدیمی نظیر اخوان‌المسلمین به زانو درآمدند اما در عین حال گزینه‌های جایگزین جدیدی نیز ظهور پیدا نکرده است.

این پراکندگی قدرت که در آن نمی‌توان کار سازنده‌ی انجام داد عامل یک فلج سیاسی است که امروز به نظر می‌رسد هر کشور عربی را در بر گرفته و همچنین عامل تقلا‌ی راهبردی مربوط به تقریباً هر بازیگر منطقه‌ی است. پراکندگی قدرت لزوماً اتفاق بدی نیست. دولت‌های عربی چندین دهه بود که بیش از حد قدرت داشتند و از این قدرت برای سرکوب بی‌رحمانه و کنترل شهروندان‌شان و حفظ یک نظم منطقه‌ای به شدت نامحبوب استفاده می‌کردند. هیچ‌کس نباید به طور جدی برای مشکلاتی که این دولت‌ها اکنون در کنترل کردن جریان اطلاعات و ایده‌ها با آن‌ها مواجه هستند، سوگواری کند. همان‌طور که لیبی و یمن به طرز دردناکی امروز نشان می‌دهند، یک دولت کارآمد اساسی که بتواند امنیت، پیش‌بینی‌پذیری و اداره مشروع ارائه دهد، شرط لازم سیاست است. فقدان قدرت به معنی این است که مشکلات مزمن از بیکاری گرفته تا خشونت فرقه‌ای مربوط به جنگ داخلی سوریه حل نخواهد شد.

برای بررسی این وضعیت نخست از سطح جهانی شروع می‌کنیم. این کاملاً واضح است که واشنگتن تا حد زیادی نه فقط تمایل بلکه قابلیت خود به منظور مداخله در مشکلات خاورمیانه را از دست داده است. خودداری آمریکا از مداخله در سوریه صرفاً مربوط به بی‌تفاوتی باراک اوپاما نبود. ریشه این مسئله در مخالفت عمومی و از جانب هر دو حزب با هر گونه مداخله‌ی نظامی

رییس آژانس امنیت ملی آمریکا دیپلمات‌ها را مسوول جاسوسی‌ها دانست



امریکا در رومانی، الکساندر را برای توجیه جاسوسی از متحدان این کشور به چالش کشیده و

در حالی که وزیر امور خارجه آمریکا بیش از حد بودن برنامه جاسوسی کشورش را پذیرفت، رییس آژانس امنیت ملی آمریکا در تغییر رویکردی غیرمنتظره دیپلمات‌های این کشور را مقصر اعلام دستور نظارت بر سیاستمداران اتحادیه اروپا دانست. به گزارش خبرگزاری راشاتودی، کیت الکساندر، رییس آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA) با اشاره به اختلاف میان کاخ سفید و این آژانس، اعلام کرد: این قانون‌گذاران و دیپلمات‌ها بودند که مشخص کردند ما از چه افراد یا سازمان‌هایی جاسوسی کنیم. در همین حال جیمز کارو روسایپ، سفیر سابق

طالبان پاکستان: هنوز هیچ تماسی با ما گرفته نشده است

یک روز پس از آنکه مقامات پاکستان اعلام کردند روند مذاکرات صلح ابتکاری آغاز شده، شبه نظامیان طالبان پاکستان روز جمعه اعلام کردند، تاکنون هیچ تماسی از طرف دولت دریافت نکرده‌اند.

به نوشته روزنامه داون، نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان روز پنجشنبه اعلام کرد، روند مذاکرات آغاز شده و نصیر علی خان، وزیر داخله پاکستان نیز گفت: مذاکرات رسمی و سازمان یافته با شبه نظامیان تحریک طالبان پاکستان آغاز شده است.

این در حالی است که شهیدالله شهید، سخنگوی اصلی شبه نظامیان تحریک طالبان پاکستان روز گذشته گفت، هیچ پیش درآمدی وجود ندارد.

وی افزود: هنوز هیچ کس با ما تماس نگرفته است. دولت تنها از طریق رسانه‌ها اطلاعیه‌ها را مطرح می‌کند و هنوز هیچ مذاکره صلحی آغاز نشده است. آغاز مذاکرات صلح یعنی نشستن بر سر یک میز و مذاکره درباره مسائل.

شبه نظامیان تحریک طالبان پاکستان جنگ خونین شش ساله‌ی را علیه پاکستان به راه انداخته‌اند که در آن جان هزاران تن گرفته شده است. دولت نواز شریف به دنبال مذاکرات صلح برای پایان این درگیری‌هاست.

نواز شریف ماه گذشته میلادی توانست حمایت احزاب سیاسی برای پیشبرد مذاکرات صلح با شبه نظامیان تحریک طالبان پاکستان را به دست آورد و فرمانده ارتش نیز حمایت خود را از این روند اعلام کرد.

پس از اعلام حمایت احزاب سیاسی از برگزاری مذاکرات صلح، شبه نظامیان تحریک طالبان پاکستان لیستی از پیش شرط‌های خود از جمله آزادی تمامی اعضای محبوس‌شان در زندان‌های پاکستان و خروج نیروها از مناطق قبیله‌نشین در سراسر مرز افغانستان را منتشر کردند.

شهیدالله شهید بار دیگر این خواسته‌ها را مطرح کرد و گفت، دولت باید به آنها ثابت کند که در رابطه با این مذاکرات جدی است.

پوتین، «قدرتمندترین فرد جهان»



مجله فوربز فهرست قدرتمندترین شخصیت‌های جهان در سال جاری میلادی را منتشر کرد.

فوربز از ۲۰۰۹ آغاز به انتشار سالانه فهرست قدرتمندترین افراد کرده است. تعداد افراد معرفی شده به نسبت جمعیت جهان معرفی می‌شوند. در سال ۲۰۰۹، ۶۷ تن و امسال ۷۲ تن معرفی شده‌اند.

امسال ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه با گرفتن جایی که باراک اوپاما، رییس‌جمهوری آمریکا سال گذشته از آن خود کرده بود، بر صدر جدول قدرتمندترین افراد جهان نشست.

در گزارشی که در همین مورد در مجله فوربز منتشر شده به چالش‌های یک سال گذشته دولت اوپاما اشاره شده است. بدنامی بر سر افشاگری‌های ادوارد اسنودن، همکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا، عدم موفقیت در پیشبرد صلح در سوریه و در آخر تعطیلی دولت بر سر ماجرای بوجه، از مواردی است که می‌تواند تنزل رتبه اوپاما در لیست فوربز را توضیح دهد. امسال از اوپاما به‌عنوان دومین فرد قدرتمند جهان نام برده شده است.

شی جینپینگ، دبیراول حزب کمونیست چین و عالی‌رتبه‌ترین مقام سیاسی این کشور در رتبه سوم لیست فوربز قرار دارد. پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان نیز در رتبه چهارم قرار دارد.

لیست قدرتمندترین افراد جهان در مجله فوربز سالانه تعدادی از سیاستمداران، کارآفرینان، و سرمایه‌داران یا فعالان حقوق‌بشر را بر اساس شاخص‌های مختلف به عنوان قدرتمندترین افراد جهان معرفی می‌کند. این افراد که تعداد آن‌ها بر اساس جمعیت جهان (هر ۱۰۰ میلیون یک نفر) هر سال متغیر است، بر اساس میزان نفوذ، میزان دارایی مالی و یا منابع انسانی انتخاب می‌شوند. این لیست بر اساس رای دبیران ارشد فوربز و از میان صدها نام انتخاب می‌شود. آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان، با کسب رتبه پنجم لیست، قدرتمندترین زن لیست است. در این لیست هشت زن دیگر قرار دارند. دیلما روسف، رییس‌جمهوری برزیل، در رتبه بیستم دومین زن قدرتمند لیست است. کریستین لاگارد، رییس صندوق بین‌المللی پول، ویرجینیا رومتی، مدیرعامل آی.بی.ام و مارگارت شان، دبیرکل سازمان جهانی سلامت، از دیگر زنان قدرتمند جهان هستند.

فوربز جوان‌ترین افراد قدرتمند معرفی شده در لیست خود را جداگانه معرفی کرده است. مارک زاکربریگ، خالق و مدیرعامل شبکه اجتماعی فیس‌بوک صدرنشین این لیست است. کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی با داشتن رتبه ۴۶ جدول از نگاه فوربز دومین جوان قدرتمند جهان است.

نام دیوید کامرون ۴۷ ساله، نخست‌وزیر انگلیس نیز در میان جوان‌ترین‌های لیست قدرتمندترین افراد جهان به چشم می‌خورد.

پراکنده نویسی‌های در باب فلسفه

پویان فخرایی

سیر می‌کند؟ و ...

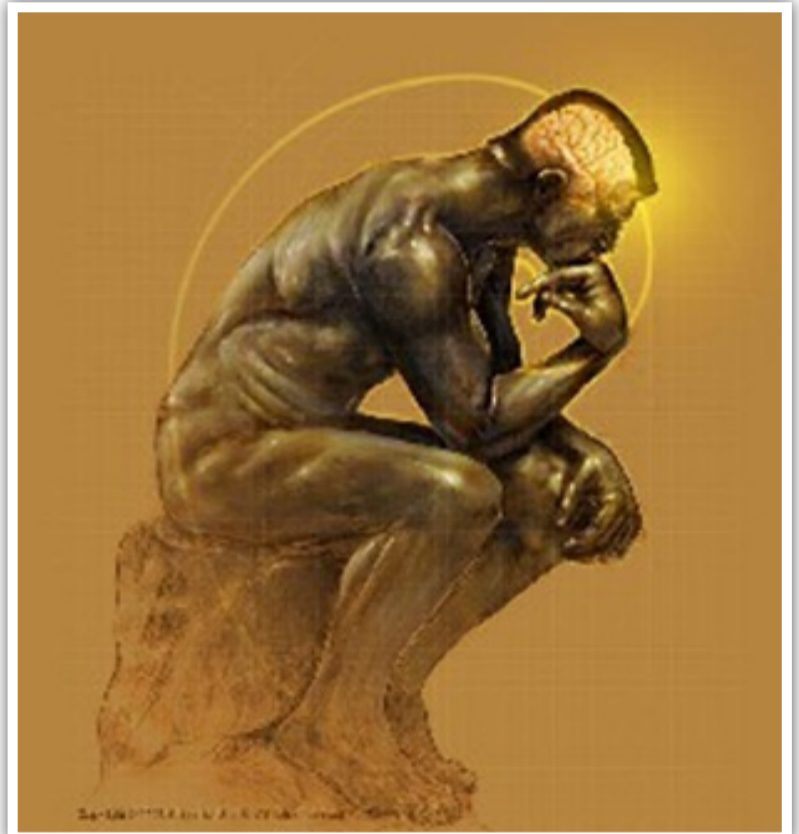
البته در کتاب فلسفه چیست، منوچهر بزرگ‌مهر از قول کانت سوالاتی شبیه به این را مطرح می‌کند:

■ آیا در خارج یا داخل عالم یک حقیقت متعالی وجود دارد یا خیر؟

آیا حیات انسان محدود به همین زنده‌گی مادی است یا انسان‌ها حاوی حقیقتی است که بعد از مرگ بدن ادامه می‌یابد و نشئه دیگری بعد نشئه مادی وجود دارد؟ آیا آن حقیقتی که در داخل یا ماوراء طبیعه هست، در خلقت عالم غرض و غایت

۲- فلسفه، روش تحقیق و تفکر وابسته و استدلال برای حل مسایل کلی و عمومی عالم است و معتقدند جمع و تألیف واقعیات و استنتاج از آنها برای فهم حقیقت کافی نیست و باید نسبت به آنها تحلیل و تفکر کرد.

۳- فلسفه اخذ و تحصیل یک نظر کلی نسبت به عالم است و فلسفه چون نقطه اهرم ارشمیدس برای جابه‌جا کردن جهان است. فلسفه نقش رییس ستاد علوم خاصه



معینی داشته است، یا خلقت عالم عبث بوده است؟

۴- آلفرد وایتهد (فیلسوف و ریاضی‌دان، استاد راسل): فلسفه در حال حیرت و تعجب آغاز می‌شود و در پایان وقتی فکر فلسفی کار خود را به بهترین وجه انجام داد، حیرت هم‌چنان باقی است، اما ممکن

را دارد و از روی نتایج آن علوم تصویر کلی عالم را رسم می‌کند.

۵- فلسفه تحلیلی یا تحلیل منطقی که عمل فلسفه را ایضاح می‌کند و تبیین معانی الفاظ و دادن تعاریف است، تحلیل مفاهیم را مستعمل در عرف عام و علوم خاصه می‌داند. در نظر این نوع نگاه امر واقع موضوع علوم دقیقه است و نسبت بین مفاهیم جزء منطق و ریاضت است و نقد و تحلیل مبادی علوم و مقایسه نتایج آنها و تحلیل مفاهیم و الفاظ مستعمله در آنها را کار خود می‌داند.

دکتر علی شریعت‌مداری از قول فلاسفه این‌گونه می‌آورد که:

۶- به نظر جان دیوینی (فیلسوف آمریکایی): اگر تعلیم و تربیت را عبارت از تشکیل و ایجاد تمایلات اساسی عقلانی و عاطفی نسبت به طبیعت و هم‌نوعان بدانیم، در این صورت فلسفه را ممکن است به عنوان تیوری عمومی یا اساس نظری تعلیم و تربیت، تعریف کرد.

۷- برتراند راسل گاهی فلسفه را رشته‌یی می‌داند که به سوالاتی چون: آیا جهان به ذهن/روح و ماده تقسیم می‌شود و اگر چنین است، ذهن/روح چیست و کدام است؟ آیا جهان هدفی دارد به سوی هدفی

تعریف دیگری در همین راستا از کتاب صدرالمتألهین تالیف جواد مصلح می‌آورد که فلسفه را عبارت است از آگاهی احوال موجودات خارجی همان‌طور که موجود هستند و این آگاهی در حدود استعداد بشر است.

کتاب زمینه تاریخ فلسفه (اثر: ای. خلیلی‌بیج، ترجمه هرمزان) فلسفه را یکی از قدیمی‌ترین اشکال آگاهی اجتماعی می‌داند و فلسفه را به عنوان مجموعه معارف انسان از جهان پیرامون و خود که در جامعه برده‌داری پدیدار گشت، معرفی می‌کند و این طور ادامه می‌دهد که بعدها وقتی امور مربوط به طبیعت در عرصه‌یی گوناگون و معرفت نیز تکامل یافتند، شاخه شاخه شدن و جدایی علوم مختلف آغاز گردید و در همین دوران فلسفه به عنوان رشته‌یی مختلف شکل گرفت و به موازات تکامل علوم خاص مسایل رو به روی فلسفه به عنوان یک رشته مختلف مشکل گرفت و به موازات تکامل علوم خاص مسایل رو به روی فلسفه تغییر کرد و حاصل این شرایط اجتماعی نوین، وظایف جدید بودی که در برابر اندیشه‌های نظری قرار گرفت و اندیشه نظری را به بازتاب روندهای عینی جهان خارج از ذهن انسان فرا می‌خواند.

دکتر شریعت‌مداری تقسیم‌بندی‌های آقای بزرگ‌مهر را با شرح مبسوط در کتاب خود با عنوان عامل فلسفی یا فونکسیون‌ها می‌آورد که نگارنده ذکر عنوان مطالب را لازم و مفیده دیده است:

- تحلیل (مشخص ساختن معانی، به کار بردن درست لغت‌ها و ... را نقش اساسی فلسفه می‌دانند به این علت که بسیاری از مشکلات فلسفه و جر و بحث میان فیلسوفان در اثر مشخص نبودن معانی صحیح لغات به وجود آمده‌اند که فلاسفه بعد از این عمل فلسفی، به تحلیل مسایل فلسفی در سطحی بالاتر می‌پردازند.)

- انتقاد و ارزیابی (عده‌یی از فیلسوفان انتقاد را مهم‌ترین شاخصه تمیزدهنده فلسفه از دیگر علوم می‌دانند و آن را مکمل عمل تحلیل دانسته‌اند.)

- ترکیب یا وحدت دادن (ترکیب یا وحدت دادن نتایج و فرضیات دیگر علوم را عمل و

فلسفه تحلیلی یا تحلیل منطقی که عمل فلسفه را ایضاح می‌کند و

تبیین معانی الفاظ و دادن تعاریف است، تحلیل مفاهیم را مستعمل

در عرف عام و علوم خاصه می‌داند. در نظر این نوع نگاه، امر

واقع موضوع علوم دقیقه است و نسبت بین مفاهیم جزو منطق و

ریاضت است و نقد و تحلیل مبادی علوم و مقایسه نتایج آنها و

تحلیل مفاهیم و الفاظ مستعمله در آنها را کار خود می‌داند

کار اصلی فلسفه می‌داند.)

- سیر عقلانی (به عنوان یکی از اعمال فلسفه متضمن سیر عقلانی و رها ساختن ذهن از محسوسات یا نظرهای محدود است.)

تفسیر یا ترجمه (گروهی از فلاسفه ترجمه یا تفسیر مطالب علمی را کار فلسفه می‌دانند.)

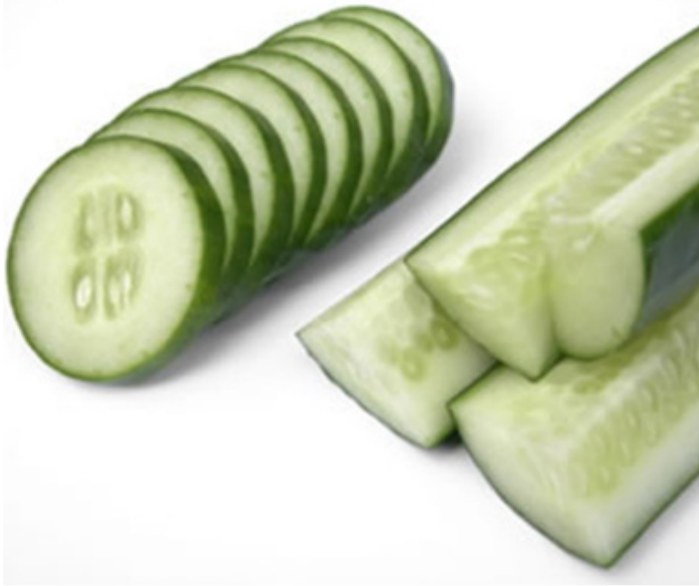
بررسی ارزش (بعضی فلاسفه کار اصلی فلسفه در عصر ما را بررسی ارزش‌ها و هدف‌های اساسی برای انسان می‌دانند.)

است در زمینه توجه به عظمت اشیا و تلطیف و تزکیه عواطف چندی به وسیله فهم اضافه شده باشد.

- علامه طباطبایی؛ یک سلسله بحث‌های برهانی که غرض و آرمان نام‌برده تأمین نماید و نتیجه آنها اثبات و وجود حقیقی اشیا و تشخیص علل و اسباب آنها چه‌گونه‌گی مرتبه وجود آنها می‌باشد را فلسفه می‌نامند. و دکتر شریعت‌مداری

در توضیح این تعریف؛ فلسفه را رشته‌یی که درباره وجود بحث می‌کند و محدود به هستی‌شناسی است می‌داند چنان‌که

خواص بادرننگ و آب بادرننگ



بادرننگ حاوی مقدار کمی فیبر، املاح و ویتامین به‌ویژه ویتامین C است. یک گیلاس متوسط بادرننگ بُرش‌خورده، حدود ۶ درصد از نیاز روزانه به ویتامین C را تأمین می‌کند.

اما مهم‌ترین خاصیت بادرننگ که در روزهای گرم سال مورد توجه قرار می‌گیرد، خاصیت خُنکی آن است. خوردن بادرننگ، احساس طراوت و شادابی در فرد ایجاد کرده و به میزان قابل توجهی تشنه‌گی و گرم‌زده‌گی را رفع می‌کند.

گفتنی است که ۹۵ درصد بادرننگ از آب تشکیل شده است و خوردن یک پیاله بادرننگ ورقه شده، با نوشیدن یک پیاله آب برابری می‌کند.

این در حالی است که پوست سبز بادرننگ نیز مقادیر قابل توجهی فیبر، پتاسیم و منیزیم دارد و خوردن بادرننگ همراه با پوست، البته در صورتی که به خوبی شسته شده باشد، توصیه می‌شود.

از سوی دیگر برخی پزشکان بر این باورند که بادرننگ به کاهش فشار خون کمک می‌کند و از این‌رو مصرف آن برای افرادی که دچار فشار خون بالا هستند، توصیه می‌شود. هم‌چنین بادرننگ به درمان حساسیت‌های پوستی و آفتاب‌سوخته‌گی کمک می‌کند.

طبع بادرننگ، سرد و مرطوب است. بادرننگ داری خواص مُدر، نرم‌کننده و ملین مسهل، دافع کرم کدو، ضد تشویش و دلهره ضد بی‌خوابی، ضد ناراحتی‌های عصبی و مسکن حرارت و تشنه‌گی است.

تخم بادرننگ خواب‌آور، آرام‌بخش، زرداب‌آور، مدر بول، تصفیه‌کننده خون، حل‌کننده اورات‌ها و اسید اوریک و جلا دهنده است.

بادرننگ در موارد ناراحتی‌های جلدی، دفع سموم و چربی‌های مضر، درمان دردهای گرده، نقرس، باد مفاصل، رماتیسم، رفع چاقی و فشار خون، تب‌های عفونی و شدید، التهاب‌های درونی سنگ‌های گرده و مثانه، تب‌های صفراوی، یرقان زرد رفع التهاب جگر و معده به کار می‌رود.

بادرننگ برای بیماران مبتلا به دیابت و یرقان خوب است و باعث تقویت کبد و رفع تشنه‌گی می‌شود و برای خُرد کردن سنگ‌های گرده و مثانه، موثر می‌باشد. بادرننگ را می‌توان در موارد سوزش ادرار به کار برد.

بادرننگ را به عنوان مدر و برای رفع تب‌های صفراوی و یرقان به‌کار می‌برند. مخصوصاً موقعی که بادرننگ زرد شده و رسیده باشد، در این صورت مزه‌اش ترش می‌باشد و خاصیت زرداب در آن بیشتر است.

تخم بادرننگ مُدر است و برای اورام کبد خوب است. آب بادرننگ به‌طور مالیدنی و برای رفع خارش به‌کار می‌رود.

مواد غذایی بادرننگ، خیلی کم است و سلولز زیاد دارد.

آب بادرننگ را می‌توانید با آب سیب و زردک بخورید. سال‌هاست که آب بادرننگ را در معالجه گرده مصرف می‌کنند. زیرا گرده‌ها را شست‌وشو می‌دهد و نیز در رژیم لاغری و تخلیه آن مصرف می‌شود.

آب بادرننگ سبز را برای اکثر تب‌های عفونی و شدید و التهاب‌های درونی مصرف می‌کنند.

خاصیت غذایی آن کم و خیلی خُنک و شدیدترین عطش‌ها را آن‌آفرو می‌نشانند. آب بادرنگ دارای اثر حل‌کننده و دفع اسید اوریک و تصفیه‌کننده خون و ضد سم است.

■ مضرات:

خوردن بادرننگ با پوست، مخصوصاً اگر تر و تازه نباشد، دیرهضم بوده و باد معده و قولنج ایجاد می‌کند.

برای معده‌های ضعیف و سوءهاضمه ضرر دارد و جهت دفع ضرر، باید با عسل یا مویز یا رازیانه خورد.

اگر بادرننگ خیلی رسیده و زرد شده باشد، خوردن آن تولید دل‌درد می‌کند. هم‌چنین کسانی که طبع صفراوی و دموی دارند، این بادرننگ به آن‌ها نمی‌سازد و باعث تحریک دل‌درد می‌شود.

برای هضم بهتر بادرننگ، باید آن را با روغن زیتون و کمی سرکه و بهتر است با آبلیمو و نمک به صورت سالاد درآورده و مصرف کنند.

پرتو نادری در وسط امر

((نوشتن شعر))

آگاهی خویش فرار کند:

...
من چرا مصیبت هوشیاری ام را
چنان پوستین کهنه‌یی
از میخ بلند بدمستی نیاویم
چرا هم رنگ جماعت نباشم
چرا هم رنگ جماعت نباشم
رسوا شدن حوصله‌یی بزرگ می‌خواهد
(شعر ناسروده من/ مصیبت هوشیاری/ ۵۴)

اما این مصیبت هوشیاری را نمی‌تواند چون پوستین کهنه‌یی از میخ بلند بیابیزد. اگر می‌توانست که از میخ بلند بیابیزدش؛ دیگر به سراغ نوشتن نمی‌رفت و دیگر خود را دچار امر شعر نمی‌دید.

۱ در گفت‌وگو با جهان

منظور من از جهان، صورت نمادین‌شده‌گی طبیعت و چیزهاست. در صورتی که طبیعت و چیزها نمادین نمی‌شدند، دیگر ما از طبیعت، جهان را به عنوان نرم‌ابزار مفهومی نمی‌داشتیم. آنچه که من جهان می‌گویم، یک امر نرم‌ابزاری و مفهومی است که به طبیعت و چیزها صورت مفهومی و صورت تفکری بخشیده است. جهانی را که انسان پیش از ما تصور کرده است، جهانیست دوتایی و تقابل‌گرایانه که استراوس، هستی‌شناسی تقابل‌گرایانه ساختاری این جهان را در مطالعات اساطیری و مردم‌شناسی ارایه کرده است. بر مبنای آرای انسان‌شناسانه استراوس می‌توان نمادین‌شده‌گی طبیعت و چیزها را به مفهوم جهان در تقابل دوتایی نیک و بد (خیر و شر)، تقلیل داد. گفت‌وگوی هنری پرتو نادری از طریق شعر با طبیعت به مفهوم جهان، گفت‌وگوییست تقابل‌گرایانه، استوار بر خیر و شر؛ اما این خیر و شر، ماهیت هستی‌شناسانه‌اش را از جهان فکری اوستایی - زرتشتی گرفته است و با چشم‌انداز اوستایی (صورت تفکر مردمان ایرانی از جهان)، گفت‌وگوی هنری‌اش را با مفهوم جهان انجام داده است:

...
تو ای آشفته خورشید
تو ای وارسته از ظلمت
گرامی دار با لبخندی از ایمان
قدوم رهنوردی را
که راه دور پیموده
و زنجیر گران تیره‌گی از پا و دست نور بگسسته
و با او هم‌صدا برخوان
سرود فتح را بر شب
(سوگ‌نامه‌یی برای تاک/ سرود فتح/ ۴)

در این چشم‌انداز شعری به سوی جهان؛ روشنایی و تاریکی از واقعیت طبیعی‌اش فراتر رفته و نمادین‌ارایه شده است؛ بنا بر این نمادین‌شده‌گی، می‌توان در کل، طبیعت و چیزها را معنمند کرد و با این معنمندگی، می‌توان بخشی از طبیعت و رویدادهای طبیعی را به روشنایی نسبت داد و بخشی را به تاریکی. نماینده روشنایی خورشید، و از تاریکی، شب، است. بنابراین، هر امری که به روشنایی تعلق بگیرد، زیر ستون خیر قرار می‌گیرد، و هر امری که به تاریکی تعلق گرفت، زیر ستون شر قرار می‌گیرد.

خورشید و شب، در شعرهای پرتو نادری نمادین می‌شود که بنا به این نمادین‌شده‌گی، معرفت تقابلی دوگانه از جهان ارایه می‌شود:

شب در مسیر خویش
سیاهی می‌کاشت
و پیچک دهشت
بر تن هر شاخه در جنگل
می‌پیچید
و در آن سوی - در غربت -
پرنده‌یی در بیشه تشویش زنده‌گی می‌کرد
و آشیانه او
با زبان خاکستر

حکایت مرغان رفته را می‌خواند
(سوگ‌نامه‌یی برای تاک/ با زبان خاکستر/ ۱۳)

در این شعر، شب، دیگر یک رویداد طبیعی نیست؛ یک امر نمادین است، یک موجود است که کردار زشت دارد، کارش کاشتن سیاهیست. این سیاه‌کاری شب بی‌پشتوانه فرهنگی و بی‌پشتوانه کهن الگوگرایانه نیست. کهن الگوی سیاه‌کاری شب به تفکر اوستایی می‌رسد. معمولاً در شب، لشکریان اهریمن دست به کار می‌شود برای نابودی جهان؛ و شب، نشانی از چیره‌گی اهریمن بر جهان است؛ و روز، نشانی از چیره‌گی آهورا مزدا بر جهان.



جهانی را که انسان پیش از ما تصور کرده است، جهانیست دوتایی و تقابل‌گرایانه که استراوس، هستی‌شناسی تقابل‌گرایانه ساختاری این جهان را در مطالعات اساطیری و مردم‌شناسی ارایه کرده است. بر مبنای آرای انسان‌شناسانه استراوس، می‌توان نمادین‌شده‌گی طبیعت و چیزها را به مفهوم جهان در تقابل دوتایی نیک و بد (خیر و شر)، تقلیل داد. گفت‌وگوی هنری پرتو نادری از طریق شعر با طبیعت به مفهوم جهان، گفت‌وگوییست تقابل‌گرایانه، استوار بر خیر و شر؛ اما این خیر و شر، ماهیت هستی‌شناسانه‌اش را از جهان فکری اوستایی - زرتشتی گرفته است و با چشم‌انداز اوستایی، گفت‌وگوی هنری‌اش را با مفهوم جهان انجام داده است

پرتو نادری، تمام عمر با هستی‌پیرامونش تصادم کرده است. فرقی نمی‌کند که این هستی، در امر سیاست، اجتماع، تاریخ، عشق، و... تبارز می‌کند؛ اما شاعر خودش را با امرهای این جهان، تصادم می‌دهد و با این تصادم، طرح ایده رنج را در امر نوشتن (در امر شعر) ارایه می‌کند:

با باد سخن می‌گویم
با کوه صبرآزمایی می‌کنم
و انجماد غم‌هایم را
با دریاها دوری جاری می‌شوم
و هر قدر که از خویش در خویش
راه می‌زنم
آسمان از دل‌تنگی من
بیشتر فاصله می‌گیرد
(شعر ناسروده من/ سفر/ ۱۲)

آگاهی در هر صورتش، بیانی از رسوا شدن انسان است؛ زیرا آگاهی، اقتدار و شالوده طرح پروژه کمال مطلق انسان و جهان را از هم می‌پاشاند، و این که اگر بگویم که جهان و انسان، توهمیست که طرحش را خود انسان ریختانده است، گفتنش و تحملش برای جامعه انسانی دشوار است؛ چون ذات انسانیت ما بر توهم استوار است و پروژه انسان شدن ما استوار بر توهم از طبیعت و از خود ما است. بنا بر این، آگاهی، بیشتر کسی را رسوا می‌کند که آگاه شده است. پرتو نادری از آگاهی خویش می‌هراسد، اما راهی هم ندارد که از رسوایی آگاهی خویش فرار کند؛ چون امکان ندارد آدمی از

جادو نخواهد کرد. هر نوشته‌یی، به‌ویژه نوشتن ادبی، امریست که در نهایت، هراس/امید انسان را به نمایش می‌گذارد؛ امید/هراسی که هویت بنیادین فاجعه در ما است؛ فاجعه‌یی که رنج، اندوه، حسرت، غم و... جهان را به سوی ما می‌کشاند، و در ما، در انسان، پرتابش می‌کند. انگار، انسان، حفره یا سیاه‌چاله‌یی است که همه رنج هستی و جهان در او تلنبار می‌شود، فشرده می‌شود، و بعد این حفره از فشرده‌گی رنج منفجر می‌شود. گویا انسان طرحیست برای آگاهی؛ طرحی که طبیعت برای آگاهی خویش بر خویش، این طرح را یعنی طرح انسان شدن را تکامل می‌دهد. البته نه تکامل به مفهوم مطلق؛ تکامل به مفهوم پروژه‌یی که به شکست کمال خویش و طبیعت آگاه شود. این آگاهی، انسان را دچار توهم کرده است، و انسان برای گریز از این آگاهی، دست به کار شده است تا گفت‌وگویی را بین خود و ماورای خود (متافزیک) آغاز کند و با این گفت‌وگو، طرح توهم‌هایی را بریزد که گویا انسان مرکز هستی و جهان و طبیعت است، و این جهان برای انسان بنا شده است. در حالی که انسان (موجودی که خودش را کامل‌ترین موجود می‌داند) با افتادن چند قطره آب در مجرای تنفسی‌اش می‌میرد! اما دل‌خوشی‌های بزرگ دارد؛ بنا بر این، اگر انسان مرکز این عالم هم نیست، اما طرحی است که انگار طبیعت، آگاهی خویش را به عنوان رنج بردن، در هستی موجودی به‌نام انسان، تبارز داده است؛ از این‌رو انسان ناگزیر است که رنج تباهی چیزها و جهان را به دوش بکشد، حتا رنج ویرانی و متلاشی شدن یک کوه را در درون خودش!

یعقوب یسنا بخش نخست



نوشتن، امریست دشوار. دشوار برای این است که می‌خواهد زنده‌گی، بودن و طبیعت را معنمند کند. حال

آن‌که زنده‌گی، بودن و طبیعت، پیرنگی برای غایت و معنا ندارد؛ اما نوشتن برای زنده‌گی، بودن و طبیعت، پیرنگ معنایی وضع می‌کند. با وضع پیرنگ معنایی، معرفتی را به‌نام «هستی» برای فهم‌پذیری زنده‌گی و بودن؛ و معرفتی را به‌نام «جهان» برای فهم‌پذیر شدن طبیعت ارایه می‌کند. این‌جاست که انسان، وسط دستگامی می‌افتد که خودش، آن را وضع کرده اما دیگر این دستگام از واقعیت انسانی، فراتر رفته و به‌نام میتافزیک، تصورکردنی شده؛ و انسان با ماورای خویش درگیر گفت‌وگو شده است؛ گفت‌وگوی متداومی که بیانی از دلهره، امید، هراس، حسرت و... انسان با ماورایش یا با خویشانش که همان چهره نمادین خودش است، بوده است.

در این نوشتار، از «نوشتن»، امری نمادین تصور شده است؛ امری که انسان با آن می‌خواهد مسوولیت وجودی و هستی‌شناسانه از خودش ارایه کند، و درک وجودی خویش را با دلهره، امید، هراس و حسرت ممکن تبارز بدهد. هراس از نابودی کامل را برای خویش و برای جامعه انسانی زایل کند؛ که ما در یادآوری و یادمان باقی ماندنی هستیم، و طبیعت نمی‌تواند فراموشی مطلق را در زنده‌گی انسانی پیاده کند. انگار، انسان با نوشتن در برابر قدرت ویرانگر و فراموشکار طبیعت می‌ایستد و می‌خواهد با امر نوشتن، از طبیعت به عنوان واقعیت میرا انتقام بگیرد.

بنابراین، اراده از «نوشتن» هرگونه نوشتار/گفتاریست که بار هستی‌شناسانه دارد. می‌تواند شعر باشد، داستان، فلسفه، یا گونه‌های دیگر «نوشتن».

پرسش این است که با این همه سرگرمی و کار، چرا انسانی هست که می‌نویسد؟ می‌تواند کاری دیگری را انجام بدهد؛ کاری که بهش نسبتاً سعادت این جهانی را فراهم کند؛ قدرت، پول و... اما انسانی هست که می‌خواهد بنویسد و رنج هستی‌شناسی کل بشر یا همان انسان نمادین را به دوش بکشد، و با خودخواسته‌گی خویش، خودش را نماینده بشر تصور کند؛ بشری که خواسته از کنار امید و هراس جهان، خاموش بگذرد. اما انسانی می‌آید و خودش را با هراس و امید بنیادین انسان با جهان روبه‌رو می‌کند و دست به عبیدن و تقلاییدن شدید در برابر طبیعت و جهان می‌زند. چرا می‌عبند؟ چرا می‌تقلایند؟ ناگزیر می‌شویم بپرسیم که نوشتن چرا وجود دارد؟ این پرسش می‌تواند پاسخ نداشته باشد اما می‌تواند پرسش‌های دیگری را پیشنهاد کند: زنده‌گی چرا معنا ندارد؟ طبیعت چرا معنا ندارد؟ می‌شود تصور کرد که نوشتن با هراس از بی‌معنایی زنده‌گی و طبیعت، و با امید برای فراموش نشدن، ارتباط داشته باشد!

از این چشم‌اندازها، (که چرا نوشتن وجود دارد؛ چرا شاعر/نویسنده وجود دارد که بنویسد؟) و چرا در پی این هستیم که انسان، چیزها و طبیعت را فراتر از واقعیت، هم‌چون ایده‌یی معنمند کنیم؟ و معنمندگی‌یی که هستی و جهان را ارایه کرده است؛ این هستی و جهان، چرا برای انسان به هراس و فاجعه از هستی و جهان می‌انجامد؟ این فاجعه و هراس به آگاهی فرد انسانی ارتباط دارد یا چنین هراس و فاجعه‌یی، مستقل از آگاهی فرد انسانی، وجود دارد؟ به شعرهای پرتو نادری به عنوان امر «نوشتن» پرداخته می‌شود.

پرتو نادری اگر برای نسل خودش، برای نسل ما و برای نسل‌هایی که خواهند آمد، تصورکردنی باشد؛ در همین امر نوشتن تصورکردنیست. انسانی که از شصت ساله‌گی گذشته است، اما می‌نویسد. از روزی که امر نوشتن را دانسته، تا هنوز نوشته است. مهم نیست که چه نوشته و برای چه نوشته؛ مهم این است که نوشته است. هیچ نوشته‌یی سرنوشت جهان و انسان را تغییر نخواهد داد، هیچ نوشته‌یی بر کیهان چیره نخواهد شد و کیهان

دستاوردهای عظیم سفر لندن؛ تأکید بر روند صلح به رهبری افغان‌ها!

احمد عمران

«صلح به رهبری افغان‌ها!...» به نظر می‌رسد تأکید بر این موضوع، مهم‌ترین دستاورد سفر پنج‌روزهٔ آقای کرزی و هیأت همراه به لندن باشد؛ همان موضوعی که حداقل در دوازده سال گذشته، همواره مورد تأکید قرار داشته و آقای کرزی از آن به عنوان مهم‌ترین ابزار بلای‌گیری از دیگران استفاده کرده است. پرسش‌های مهم در این خصوص می‌تواند این‌ها باشند که: صلح به رهبری افغان‌ها به چه معناست؟ چرا آقای کرزی همواره بر «افغانیزه شدن روند صلح» تأکید می‌ورزد؟ آیا صلحی که معلوم نیست چه زمانی مستقر می‌شود، می‌تواند غیرافغانی باشد؟

این‌ها پرسش‌های اساسی‌اند و از لایه‌های پاسخ به چنین پرسش‌هایی، می‌توان به نیت پشت پردهٔ آقای کرزی دست پیدا کرد؛ چون ظاهر قضایا را او چنان رنگ‌و‌لعباب می‌زند که گویی به غیر از خیر و فلاح مردم، هیچ نیت دیگری در سر ندارد.

آقای کرزی زیر پوشش جملاتی چون «حاکمیت ملی»، «افغانیزه کردن روند صلح»، «منافع ملی» و چیزهایی از این دست، اهداف و برنامه‌های دیگری را دنبال می‌کند که هیچ رابطه‌ی با این مفاهیم ندارند. هدف اصلی آقای کرزی از عنوان کردن چنین مسائلی، پیش از آن‌که دغدغه‌ی نسبت به آن‌ها داشته باشد، خواست‌ها و اهدافی‌ست که خودش در پی به دست آوردن آن‌هاست اما او احساس نیاز می‌کند که بدون توسل جستن به چنین مفاهیمی، نمی‌تواند به آن اهداف و برنامه‌های خاص خود برسد.

آقای کرزی می‌داند که مردم افغانستان نسبت به چنین مفاهیمی، به‌شدت حساس‌اند و به همین دلیل، از این حساسیت و بعضاً خوش‌باوری مردم، به نفع خود استفاده می‌کند. روزی که آقای کرزی راهی سفر لندن به منظور شرکت در نشست سه‌جانبه شد، مشخص بود که از چنین سفری نمی‌توان انتظار زیادی داشت. این سفر هم در ادامهٔ سفرهای قبلی می‌توانست باشد که آقای کرزی حداقل طی ده سال گذشته، ده‌ها مورد تجربهٔ مشابه آن را دارد؛ سفرهای بی‌دستاورده ولی پُر هزینه. بی‌جهت نیست که آقای کرزی را رییس‌جمهور همواره در مسافرت لقب داده‌اند، زیرا او

در ظرف سال‌هایی که بر افغانستان فرس سلطنت گسترده، بیش از آن‌که در افغانستان و در خدمت مردم آن باشد، به کشورهای دیگر سفر کرده و مهمان سران کشورهای دیگر بوده است.

آقای کرزی فکر می‌کند که با چنین سفرهایی می‌تواند مردم را فریب دهد و به آن‌ها تلقین کند که در پی یافتن صلح، شادی و رفاه برای آن‌ها، همیشه در حال سفر و گشت‌وگذار به کشورهای دیگر بوده است. اگر پول سفرهای این سال‌های آقای کرزی به شکوفایی و رونق اقتصادی کشور اختصاص می‌یافت، بدون شک وضعیت اقتصادی افغانستان این قدر اسف‌بار نمی‌بود. هر بار سفر خارجی آقای کرزی - که همواره ده‌ها تن را هفته‌ها پیش از سفر به یک کشور، برای تنظیم مسائل و دیدارها به آن‌جا می‌فرستد و این افراد تا رسیدن رییس‌جمهور و هیأت همراه در هتل‌های پنج ستاره زنده‌گی می‌کنند - از ذرک میلیون‌ها دالر کمک‌های صورت‌گرفته به مردم افغانستان، هزینه می‌شود. گاهی مرد عادی فکر می‌کنند که پول مسافرت‌های آقای کرزی را کشورهای میزبان می‌پردازند و به این دلیل آن‌قدر آن را جدی نمی‌گیرند. ولی واقعیت این است که این مسافرت‌ها با هزینه‌های گزافی انجام می‌شوند که مصارف آن معادل مصارفی است که رییس‌جمهور یک کشور صنعتی و پیشرفتهٔ جهان در سفرهای رسمی خود متقبل می‌شود. و اما برگردیم به اصل موضوع و همان پرسش اصلی که چرا بر روند صلح به رهبری افغان‌ها یک بار دیگر در نشست سه‌جانبهٔ لندن تأکید شده است؟ مگر این موضوع، یک موضوع پذیرفته‌شده نبود و ده‌ها بار در کنفرانس‌ها و نشست‌های مختلف بر آن تأکید نرفته بود؟ زیرا تأکید بر چنین مسأله‌یی به عنوان مهم‌ترین دستاورد یک سفر، اگر مضحک نباشد، بدون شک می‌تواند نگران‌کننده باشد!

به هیچ صورت نمی‌توان پذیرفت که صلحی که قرار است در افغانستان در آینده‌ی نامعلوم تأمین شود، یک صلح افغانی نخواهد بود و مثلاً صلح امریکایی و یا انگلیسی و یا هم پاکستانی خواهد بود. آیا چنین موضوعی می‌تواند پایه‌های عقلی و منطقی داشته باشد؟ آیا تا به حال چنین بوده که در یک کشور در حال جنگ، صلح به نام یک کشور دیگر تأمین شده باشد؟

مسألهٔ رهبری صلح هم از آن حرف‌های دهان‌پرکنی است که فقط در ادبیات ارگ می‌تواند کاربرد داشته باشد. زیرا به هیچ عنوان نمی‌توان پذیرفت که صلح در یک کشور، به رهبری کشوری دیگر اتفاق می‌افتد. از جانب دیگر، اگر چنین اتفاقی قرار است بیفتد، چرا باید نسبت به آن این‌همه مشکوک بود؟ مگر ما نمی‌خواهیم به صلح به عنوان مهم‌ترین گم‌شدهٔ خود در چهار دههٔ گذشته دست پیدا کنیم؟

موضوع با اهمیت دیگر در این خصوص، این است که صلح در هیچ کشوری به رهبری و از طریق کشورهای دیگر تأمین نشده است. شاید کشورهای دیگر کمک کرده باشند که روند تأمین صلح در یک کشور شتاب بیابد، ولی هرگز چنین نبوده که مردم یک کشور نخواستند باشند و دیگران صلح را به آن‌ها تحمیل کرده باشند. صلح تحمیلی به چه معناست؟ آیا افغانستان با یک کشور دیگر در حال جنگ است که کشورهای دیگر بیایند و با تهدید آن را مجبور کنند که حتماً باید آتش‌بس و صلح را بپذیرند؟!

واقعیت قضیه این است که آقای کرزی مثل همیشه هیچ حرف تازه و مهمی در نشست لندن نداشته که مطرح کند و به همین دلیل بازهم بر روند صلح به رهبری افغان‌ها تأکید ورزیده است. چنین تأکیدی بدون شک مغالطه‌آمیز و توأم با سوءبرداشت از اصل موضوع است. آقای کرزی با چنین تأکیدهایی، عملاً احساسات مردم را به بازی می‌گیرد و گویا می‌خواهد چنین وانمود کند که روند صلح را دیگران رهبری می‌کنند. چه صلحی با چه مکانیزمی و با چه ساز و کارهایی؟ آقای کرزی هرگز نگفته که صلح در افغانستان را کی‌ها رهبری می‌کنند و این کشورها از تأمین صلح در افغانستان به چه نتایجی می‌خواهند برسند. زیرا خیلی غیرمنطقی به نظر می‌رسد که کشورهای دیگر صلح را بدون هیچ چشم‌داشت خاصی، برای یک کشور به ارمان بیاورند. در گذشته عکس قضیه صحت داشته است که جنگ را در یک کشور، کشورهای دیگر به‌راه انداخته‌اند، ولی در مورد صلح چنین شک‌و‌گمان‌هایی مطرح نبوده است. اگر کشورهایی واقعاً در پی ویرانی افغانستان باشند - که ممکن است برخی کشورهای همسایه چنین نیتی داشته باشند - بدون شک برای آن‌ها از تأمین صلح و یا رهبری صلح در افغانستان، رهبری جنگ بیشتر به‌صرفه به نظر می‌رسد.

جای خالی طرح جامع در انتخابات ریاست‌جمهوری

او افزود، پس باید همهٔ نامزدان و جریان‌های سیاسی، انتخابات را از این منظر نگاه کنند و تنها از این طریق می‌توان مولفه‌های منفی که در فرهنگ سنتی جامعه ما وجود دارد را ریشه‌کن سازیم.

به عقیده وی، در انتخابات افغانستان تنها شخص مطرح است، نه اندیشه، مفکورهٔ سیاسی و برنامه‌های او؛ بنابراین ما جای یک برنامهٔ ملی را در انتخابات خالی می‌بینیم؛ اما امیدواریم که یک اجندای ملی مشترک برای انتخابات وجود داشته باشد.

داکتر سجادی اضافه کرد، چنین اجندایی که شاید نزد نخبه‌گان وجود داشته باشد، می‌تواند یک گام مهم هم برای استفاده بهتر از فضای انتخاباتی باشد و هم رفتن به سمت آیندهٔ روشن افغانستان که مبتنی بر رفاه نخبه‌گان سیاسی باشد را ایجاد کند.

در همین حال، محمد یونس فکور آگاه سیاسی می‌گوید، از سخنان اکثریت نامزدانی که من با آنان دیدار داشتم، چنین برمی‌آید که حساسیت ۲۰۱۴ را درک می‌کنند و به این نتیجه رسیده‌اند که در این انتخابات بحث بازنده و برنده مطرح نباشد.

او گفت، اکثریت نامزدان به این نتیجه رسیده‌اند که انتخابات پیش روی باید یک انتخابات شفاف باشد و از همه مهم اینکه نتیجه انتخابات را بپذیرند.

فکور افزود، شماری از نامزدانی که با آنان دیدارهای داشتم، گفته‌اند که در انتخابات پیش روی زمانیکه یک شخص برنده شده، باید سایر نامزدان را به نحوهٔ در حکومت شریک بسازد.

به گفتهٔ فکور، اگر ده نامزد احتمالی قیل از کمپاین انتخاباتی به تفاهم برسند که در انتخابات جعل و تقلب نخواهند کرد، برنامه‌های سازنده ارائه کنند و نتیجه انتخابات را خواهند پذیرفت؛ امیدواری‌هایی وجود دارد که انتخابات پیش روی به یک فرصت خوب و سازنده تبدیل شود.

به باور این آگاه سیاسی، تمام مواردی را که من به آن اشاره داشتم در حرکتی که به نام اجندای ملی مطرح شده، دیده

روند رسیده‌گی به شکایت‌ها...

می‌توانند در روند رسیده‌گی به این شکایت‌ها نیز شرکت کنند و در صورتی‌که تهدیدی متوجه آنها باشد می‌توانند دلایل خود را مکتوب به کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی افغانستان ارسال نمایند.

آقای محسنی تأکید کرد که شرکت نامزدهای انتخاباتی نیز در این روند آزاد است و آنان می‌توانند درباره شکایت‌های که علیه آنان شده جواب ارائه کنند.

او افزود که تاکنون ۶۵۰ مورد شکایت و اعتراض از سراسر افغانستان به دفتر مرکزی و دفاتر ولایتی این کمیسیون ثبت شده که که تاکنون شکایت‌های ۲۵ ولایت به دفتر مرکزی کمیسیون رسیده‌اند.

سخنگوی این کمیسیون توضیح داد که ۷۰ مورد شکایت ثبت شده که ۱۰ مورد مربوط به نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری و ۶۰ مورد مربوط به نامزدهای شورای ولایتی و بقیه همه اعتراض هستند.

محسنی مشکلات حمل و نقل و بعد مسافت را از دلایل رسیدن دیر هنگام شکایتها از ولایت‌ها دانست و افزود که با شروع رسیده‌گی، این شکایت‌ها نیز به دفتر مرکزی خواهند رسید.

او درباره اینکه ممکن است، این شکایت‌ها باعث حذف نامزدی از فهرست شود، گفت: «ما مطابق قانون به تمام شکایت‌ها رسیده‌گی می‌کنیم.»

این کمیسیون مهلت درج شکایات برای داوطلبان نامزدان انتخابات ریاست جمهوری و شورای‌های ولایتی را، ساعت پنج عصر روز پنجشنبه ۱۲ اکتبر اعلام کرده بود.

براساس اعلام این کمیسیون ۱۶ نامزد ریاست جمهوری و ۲۵۳ داوطلب نامزدی انتخابات شوراهای ولایتی، به دلیل حذف نام شان از فهرست ابتدایی نامزدان از سوی کمیسیون انتخابات به این کمیسیون شکایت کرده‌اند.

کمیسیون رسیده‌گی به شکایت انتخاباتی وظیفه دارد تا روز ۲۵ عقرب به این شکایت‌ها رسیده‌گی و فهرست نهایی نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری و شورای ولایتی را اعلام کند.

بر اساس قانون انتخابات افغانستان، تصمیم کمیسیون بررسی شکایت‌های انتخاباتی، در همه موارد مربوط به انتخابات، نهایی و غیر قابل تغییر است.

پاکستان خواست‌های...

پاکستان همیشه این خیال را در سر پرورش می‌داد که هر خواسته اسلام آباد را امریکا برآورده می‌سازد؛ اما در حقیقت این عمل نه انجام شده و نه انجام خواهد شد.

از سوی دیگر، به نظر وی امریکا هم با این تخیل خود را مشغول ساخته است که گویا با دادن کمک به پاکستان می‌تواند رفتار و کردار موسسات قدرتمند امنیتی پاکستان را تغییر بدهد.

حقانی در مصاحبه با بخش شمال رادیو آزادی همچنان در مورد افغانستان صحبت کرده و در پاسخ به این سوال که بعد از خروج نیروهای بین المللی از افغانستان پاکستان چه خواهد کرد، گفت:

« پاکستان می‌خواهد که خواسته های خود را بر افغانستان تحمیل کند. اما طوری که مردم پاکستان نمی‌خواهند که یک کشور خارجی خواسته‌های خود را بر آنها تحمیل نماید، افغانها هم این عمل را قبول نمی‌کنند. پاکستان باید در مورد ایجاد یک شکل نو دوستی با افغانستان فکر کند. این روابط می‌تواند دوستی با هر حکومت افغانستان باشد نه اینکه نزدیکی صرف با حکومتی که میتوان خواسته های خود را بر آن قبولاند. من نگرانم که بعد از خروج نیروهای امریکا سال آینده از افغانستان، اداره پاکستان بار دیگر کوشش خواهد کرد که خواستهٔ خود را بر حکومت بعدی افغانستان بقبولاند. این عمل برادران افغان ما را نا راحت خواهد ساخت و به منافع پاکستان هم ضربه وارد خواهد کرد. »

سفیر پیشین پاکستان در ایالات متحده حسین حقانی همچنان گفت که خروج قوای بین المللی از افغانستان به نفع این کشور و منطقه نیست:

« حضور محدود نظامی امریکا در جلوگیری از سقوط افغانستان به یک جنگ داخلی در آینده کمک خواهد کرد. این نظر من است. اما ایالات متحده تصامیم خود را در رابطه با بیرون کردن قوایش از افغانستان با در نظر داشت منافع ملی خود اتخاذ می‌کند. »

حقانی همچنان اظهار داشت که ظهور طالبان در منطقه که به یک مفکوره طالب‌گرایی تبدیل شده است به حضور نظامی امریکا کدام ارتباطی ندارد و این مفکوره یعنی طالب گرایی قبل از ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ وجود داشت و بعد از آن گسترش یافت.

حقانی تأکید نمود تا زمانی که مفکوره طالب‌گرایی وجود دارد، مردمی هم پیدا خواهند شد که در آن جذب شوند. اما به گفته او، تقویه و تشویق طالبان پاکستان را بجایی نمی‌رساند.

ناجیه نوری

در سلسله گفت و گوهای اجندای ملی

دومین نشست مشورتی اجندای ملی - هرات

گفت و گوی اشتراک کننده گان



یادداشت: دومین نشست مشورتی طرح اجندای ملی، اخیراً با حضور نخبه گان سیاسی، فرهنگیان، استادان دانشگاه و دانشجویان حوزه جنوب غرب در ولایت هرات برگزار شد.
در این نشست، اشتراک کننده گان پیشنهادها و دیدگاههایشان را در خصوص طرح اجندای ملی ارائه کردند و همچنان حمایتشان را از این طرح ابراز داشتند.
طرح اجندای ملی از سوی احمد ولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید مسعود ارائه شده است.

در این طرح ضمن ارایه طرح خروج از بن بست کنونی، در خصوص تأمین صلح پایدار در افغانستان نیز راهکارهایی ارائه شده است.
طرح اجندا، با استقبال نهادهای خارجی از جمله سازمان ملل متحد و نهادهای داخلی کشور رو برو شده است.

پس از این، گفت و گوهای دومین نشست مشورتی طرح اجندای ملی را که در ولایت هرات برگزار شده بود، به ترتیب در روزنامه به نشر می سپاریم.

عبدالمتین:

دقیقاً بحثی را که ما امروز بدان می پردازیم، همه مؤلفه هایی است که ما با آن آشنا هستیم: وحدت ملی، تفکر ملی، هویت ملی، منافع ملی و دهها مورد دیگر. من بدین باور هستم که وحدت ملی تنها شعار نیست که فقط کسانی آن را بگویند؛ وحدت ملی در اصل عدالت اجتماعی است و زمانی وحدت ملی در یک جامعه به میان می آید که ما گامهایی به طرف شایسته سالاری برداریم تا حکومت شایسته سالاری در کشور ما به میان آید و مستحکم شود.

در جامعه افغانستان تضادهای زبانی و مذهبی چنانی که برخی ها شعار می دهند، وجود ندارد. اگر در چهار سوی افغانستان نگاهی بیندازید، هزاران پشتون، تاجیک، ازبیک و هزاران شیعه و سنی لحظه شماری می کنند که چه گونه کار ببانند و حداقل زنده گی کنند و کسانی که به فکر جدایی اینها است و آن را شعار می دهند، در قصرها با مدرن ترین وسایل و موتورها زنده گی می کنند و این شعار، شعار فریبنده است و با روحیه مردم ما سازگاری ندارد؛ بلکه آنها می خواهند در زیر همین شعار در قدرت باقی بمانند و ثروت های خود را از دست ندهند. فاصله میان کسانی که شعار می دهند و کسانی که در فقر زنده گی می کنند، از زمین تا آسمان است.

من در مورد جلسه مشورتی امروز می خواهم که یک پیشنهاد داشته باشم؛ شما چنانی که انتقاد کردید، حکومت مرکزی و تمرکز حکومت، برای مردم مفید نبود؛ باید بگویم که مرکزگرایی هم مفید نبود. چور و چپاول و غارت سرمایه های ملی، دلپش همان مرکز گریزیها است؛ باید یک تعادل منطقی میان مرکز گریزی، مرکز ستیزی و مرکز گرایی، باید به وجود آید تا همه مردم افغانستان خود را در آن ببینند.
بحث حکومت پارلمانی و اینها یک شکلی از

حکومت است که می توانند اغواگر باشند، ما باید به ماهیت حکومتها بپردازیم و توجه داشته باشیم؛ حکومت پاکستان یک حکومت پارلمانی است، ولی ماهیت آن یک حکومت استبدادی و نظامی می باشد که تفاوتی نمی شود تا حکومت پاکستان را با آن دموکراسی وسیع و گسترده مانند هندوستان مقایسه کنیم.

اگر ما به طرف حکومت فدرالی هم برویم و تا زمانی که حکومت شایسته سالاری به میان نیامده باشد، نه تنها که مشکلی حل نخواهد شد بلکه ما دچار مشکلات عدیده می خواهیم شد.

آنچه مهم است در اجندای ملی باید در نظر گرفته شود، این است که ما در قرن بیست و یکم زنده گی می کنیم و با اندیشه های قبیله ای نمی توانیم که داخل یک مرحله جدید شویم و از وضعیت موجود وضعیت مطلوب را تجربه کنیم؛ باید در این اجندا جایگاه افغانستان مانند یک کشور مستقل در بین کشورهای دنیا مشخص شود و بدون بیگانه ستیزی و بیگانه پروری ما به دفاع از منافع خود بپردازیم.

سعید حقیقی:

فکر می کنم وقت بسیار اندکی به پایان این نشست مانده است؛ اگر دوستان از صحبت کردن بپرهیزند خوب می شود و گفته های خود را در یادداشتی بنویسند و به آقای احمد ولی مسعود بسپارند و یا در بنیاد شهید احمد شاه مسعود که در هرات هم است. بهتر دوستانی که برای ما نام های خود را داده بودند و بنابر نبود زمان، فرصت برای شان داده نشد، بسیار معذرت می خواهم.

تیم اجندای ملی برای بازمانده گان شهدای بی که اخیراً نام های شان بیرون آمد تسلیت می گوید و بر روح پُرفروش آنها دعا می کنند.

یکی از اشتراک کننده گان:

ما باید از منفی گرایی بپرهیزیم، همه می دانند که کی ها چه کردند و دیگر این طرح اگر با مناطقی که نا امن

هستند، شریک ساخته شود بهتر می شود که آنها هم در این طرح شریک ساخته شوند.

سید انور نجیبی:

یک پیشنهاد دارم در اجندای ملی بحث هایی موجود است که در این مدت زمانی کوتاه نمی تواند تمام نظریات دوستان شریک ساخته شود و جمع بندی شود و باید از لحاظ زمانی نشست هایی که در جاهای دیگر برگزار می کنید در نظر داشته باشید.

دُر محمد ظریفی د هرات ولایتی شورا غری:

الحمد لله مؤثر تول مسلمانان یو؛ پوهیژو چی قرآن کریم یو لوی قانون دی چی د مسلمانانو تول د مشکلاتو حل چاری پکی دی؛ دا اجندا مؤثر دا بنیوی چی باید انعطاف پذیر ووسو او دحل لاری چاری ولتو د دی پرخای چی انتقاد وکرو. که دا طرح مخکی له انتخابات نه وړاندی شوی وای پیر تاثیر او گته درلودله.

دا اجندا باید د سولی پرموضوع چی یو مهم موضوع دی خپل طرح وړاندی کری پیر ښه به وی.

محمد فردوس قاسم رحمانی:

من هم چند پیشنهاد دارم: یکی این که باید در جامعه فرهنگ سازی شود و اساس جامعه را علم و دانش تشکیل می دهد و در جامعه راهبرد و رهبری مهم است، ما رهبرانی داریم؛ اما راهبرد نداریم تا حلال مشکلات ما باشد و یا برعکس؛ باید سرمایه گذاری های زیادی روی سازنده گان فردا شود. اینها همه رهبران فردا خواهند بود تا فردا را به گونه درست بسازند و در کنار آن باید ما با اقوام و ملیت های مختلف ارتباط داشته باشیم و ارتباط نسل های گذشته و حال را نیز تأمین کنیم.

فریدون فکور:

یک موضوعی که باید بگویم این است که در مدت سال های گذشته از کسانی که می خواهند برای مردم خدمت بکنند، استفاد صورت نگرفته است؛ همین جا است انتظاراتی که مردم داشتند تحقق نپذیرفت.

ثریا پوپل با ناآگاهی و شماتت تمام می گوید: «آکادمی هر که را رتبه علمی بدهد، آن را پس نیز می تواند بگیرد.» اما غافل از آن که درجه تحصیل و رتبه علمی را نمی توان اهدا کرد تا آن را واپس گرفت، و اگر چنین اهدایی ممکن باشد، چرا او نمی تواند دوستان و مباحثانش را با اعطای چند رتبه از رتبه علمی، اعزاز و اکرام نماید؟

پس کسب درجه تحصیل و رتبه علمی، رابطه مستقیم با سعی و تلاش و مجاهدت شخص داشته و آن یک حق انکسابی و یک امتیاز معنوی به شمار می رود که هیچ شخص، هیچ شورا، هیچ ارکان و هیچ مقامی آن را سلب کرده نمی تواند.

اما دوشیزه پوپل، این حرکت ناسزا و این عمل ناروا را با وقاحت و دیده درایی عجیبی علیه من اعمال نمود

حالا آن که این پروژه یک پروژه شخصی نه، بلکه یک موضوع تعیین شده رسمی در آکادمی علوم بوده و در تدوین و تکمیل آن افراد، کمیته ها و کمیسیون های متعدد تا سطح شورای علمی، نقش و مسوولیت داشته و دارند.

استفاده از چند کلمه مثل خیره سر، ظالم و ستمگر و... در شأن اشخاصی چون امیرحبيب الله خان، امير عبدالرحمن خان، محمدنادرخان و غیره که به گونه عادی در اکثر تحقیقات و حتا در محافل و گفت و گوهای امروزی به وفرت مطرح می شود، مسأله بی نیست که از روی عناد و دشمنی در شأن ایشان گفته شده باشد؛ بلکه این واژه ها و عبارات رابطه مستقیم با مآخذ و منابع معتبر علمی و تاریخی بی دارند که در صورت ضرورت و نیاز، به توضیح آن پرداخته خواهد شد.

از شهکارهای تازه...

این هم یادداشت آقای روستایی:

دست ظلم و بی عدالتی شکسته باد!

ثریا پوپل رییس آکادمی علوم در سلسله نخستین اقدامات علم ستیزانه و تبارگرایانه اش، دست به اجرای تصمیم شرم آوری زد که به موجب آن، بایست یک رتبه علمی از من گرفته شود.

ثریا پوپل که میان موجی از تعصبات کور، خودکامه گی، بداندیشی و بی دیانتی سرگردان است، به دستور دوستان و مشاوران کینه توز هم مسلکش، به این بهانه که در فصل دوم کتاب «عارف چاه آبی و ویژه گی های اشعارش» (نوشته این جانب) نسبت به بعضی از شخصیت های ملی کلمات نامناسب و اهانت آمیز به کار رفته، این دسیسه را علیه من به راه انداخته است.

فیض زاده:
این همه گپ هایی را که می گویم از روی چه است؟ همه مشکل ما در این است که ما از قرآن کریم دور شدیم، بیایید نه تاجیک شوید، نه پشتون و نه دیگران؛ بیاید قرآن را به دست بگیرید و مسلمان باشید از ما که می پرسند ما می گوئیم که کلمه گوی هستیم؛ پس بیاید تنها مسلمان باشیم و بس.

لعل محمد تیموری:

نخست اگر این مملکت با آجندای ملی ساخته شود، باید قانون حضرت محمد ص مطالعه شود.

دوم باید شورای تنظیم شود تا مجرمین محاکمه شود و قانون اساسی بازنگری شود و بعد از آن می شود انتخابات را برگزار کرد.

سعید حقیقی:

از نظری پریانی مدیر مسوول روزنامه ماندگار می خواهم تا مسوده هایی را که آماده گردیده است، برای شما بخوانند.

نظری پریانی:

در نشست امروزی روی موضوعات زیادی تماس گرفته شد که با در نظر داشت آن می تواند طرح آجندای ملی پربارتر گردد.

البته ما با توجه به همان سه رکن یادآوری شده در این نشست، مسوده های را ترتیب کرده ایم.

کنفرانس دوم آجندای ملی - نخبه گان حوزه جنوب غرب شهر باستانی هرات

مسوده

آجندای ملی به حیث یک نقشه راه در جهت ایجاد تفاهم و همگرایی ملی، راه اندازی گفتمان ملی - مدنی به منظور مهار و مدیریت بحران، رسیدن به تفاهم بین الافغانی و دستیابی به صلح پایدار تدوین یافت.

از یک سال و اندی، مؤلفه های آجندای ملی که شامل مرحله های زیر می باشد با تعدادی از نخبه گان برجسته افغانستان به رأی زنی و مشورت گرفته شد: - راه اندازی دیالوگ بین الافغانی - گفتمان ملی مدنی.

- توافق روی دیدگاه های مشترک ملی.

- راه اندازی پروژه اعتماد سازی.

- تشکیل دولت وحدت ملی.

- اصلاحات سیاسی بر اساس نیاز های جامعه معاصر. اولین کنفرانس مشورتی آجندای ملی با هماهنگی جمعی از فعالین آجندا، با اشتراک فعال نزدیک به ۳۰۰ تن از نخبه گان سرشناس سیاسی و جامعه مدنی افغانستان در کابل تدوین یافت.

طی این کنفرانس مشورتی، از طرح آجندای ملی در کلیت حمایت صورت گرفت و بر ادامه نشست های مشورتی با نخبه گان سراسر افغانستان به منظور تکمیل و غنای بیشتر این طرح تأکید گردید.

همچنان پیشنهاد شد تا به خاطر تداوم گفتمان ملی در باره مسایل کلان کشوری، مراکز دیالوگ بین الافغانی در مرکز و ولایات ایجاد گردد.

خوشبختانه امروز طی دومین نشست مشورتی نخبه گان حوزه جنوب غرب در شهر باستانی هرات، ضمن تأیید بر توفقات نشست مشورتی اول در کابل، تبادل نظر هایی در محور انتخابات و نحوه تشکیل دولت آینده نیز صورت گرفت.

در نتیجه فیصله شد که در شرایط بحرانی موجود در افغانستان برگزاری انتخابات یک اصل قانونی و نیاز جدی است و در فرایند انتخابات تشکیل دولت وحدت ملی به منظور ایجاد میکانیزم تصمیم گیری جمعی از جمع چهره های مطرح در سطح ملی، شخصیت های تأثیرگذار و نیکنام و تعدادی از چهره های جدید، کاراترین نحوه تشکیل دولت مشروع، مطمئن و مرجعیت اعتماد کشور می باشد.

و من الله توفیق.

و با وصف صبر و تحمل و این امید که شاید از اثر مشورت های استادان این نهاد، نسبت به تصمیمش تجدید نظر نماید، اما سرانجام دیده شد که مرغ او یک لنگ دارد!

ثریا پوپل در این مدت کوتاه از ریاستش در آکادمی علوم، به روشنی ثابت ساخت که مصاب به یک بیماری لاعلاج است؛ بیماری ناشی از خشونت و تعصب؛ بیماری ناشی از حس خطرناک عجب و خودبزرگ بینی و... و راستش قلبا نمی خواستم با چنان موجود عجیب الخلقه ای در بیفتم، اما چه کنم؛ چون به من آشکارا ظلم روا داشته شده و من باید از حق معین و ثابت خود دفاع نمایم. امیدواریم خدای حق و عدالت، و دوستان و عزیزان پاک طینت و استبدادستیز، در این مسیر یاری ام فرمایند. انشاء الله تعالی!

برگزاری نمایشگاه زراعتی در کابل

دهقانان بدخشان انواع کچالو، شلغم و پیاز را در این نمایشگاه به نمایش گذاشته اند.

سبزیجات ننگرهار

غرفه‌های محصولات زراعتی ولایت ننگرهار در این نمایشگاه بیشتر از ولایات دیگر است. انواع میوه ها، سبزی‌ها و درخت‌های زیتنی ننگرهار به نمایش گذاشته شده اند.

ذکی یک باشنده ننگرهار که خود متخصص زراعت است در این نمایشگاه، تخم های لیمو، بادرنگ، کرم و گلبی را به نمایش گذاشته است. او می گوید برای مشتریانش شیوه های ساختن خانه های سبز را نشان می دهد که در تمام سال سبزی بکارند و به بازار عرضه کنند. این باشنده ننگرهار از افزایش تقاضا برای سبزیخانه ها ابراز رضایت کرد: «نسبت به پارسال امسال کاروبار ما بسیار خوب است. امسال هزار بار نسبت به پارسال سیستم تولیدات ما خوب شده و اگر این گونه نمایشگاه ها برگزار شود برای ما بسیار فایده دارد.»



انرژی سبز برای آبیاری

بعضی از شرکت‌ها واترپمپ‌هایی را در این نمایشگاه به نمایش گذاشته اند که با استفاده از برق آفتابی می‌توانند از عمق بیشتر از ۱۵۰ متر آب بکشند. بیشتر دهقانان افغانستان با کمبود آب مواجه هستند و این تخنیک خریداران زیادی دارد.

فرزاد علوی مسوول شرکت «ای تی سی» می‌گوید این واترپمپ‌ها با همکاری انجنیران آلمانی نصب می‌شوند: «واتر پمپ های سولر می تواند از ۱۵۰ متر عمق زمین آب بکشیم. حجم آبی که می‌تواند روزانه تهیه کند تا ۶۰۰ متر مکعب در روز می‌توانیم آب تهیه کنیم.»

آقای علوی می‌گوید دهقانانی که می‌خواهند برای درازمدت از این واترپمپ‌ها استفاده کنند، به مراتب اقتصادی تر از واتر پمپ های نفتی است.

وزارت زراعت به همکاری شماری از نهادهای داخلی و خارجی نمایشگاهی را برای سه روز در کابل برگزار کرده است. هدف این نمایشگاه معرفی و بازاریابی محصولات زراعتی افغانستان برای تاجران داخلی و خارجی می‌باشد.

مرغوب‌ترین میوه‌ها، لبنیات، تخم‌های اصلاح شده و وسایل زراعتی در بیش از ۲۰۰ غرفه به نمایش گذاشته شده اند. ساکنان ولایات مختلف از این نمایشگاه دیدار می‌کنند و تجارب زراعتی‌شان را باهم شریک می‌سازند.

شیرشاه یک تن از مسوولان این نمایشگاه می‌گوید ده غرفه در این نمایشگاه برای تاجران خارجی اختصاص داده شده و زنان نیز صنایع دستی‌شان را به نمایش گذاشته اند.

او گفت که اشتراک مردم در این نمایشگاه نسبت به سال های گذشته بیشتر است: «بینندگان با گذشت هر روز زیادتر می‌شوند. ما توقع می‌کنیم که در مدت سه روز ۸، ۹ و ۱۰ عقرب حدود ۷۰ هزار بیننده از این نمایشگاه دیدار کنند.»

این هفدهمین نمایشگاه زراعتی است و دهقانان، تاجران و نهادهایی که در این نمایشگاه غرفه دارند، با پخش موسیقی، نمایش فلم های کوتاه فعالیت های زراعتی و عکس های محصولات شان توجه مشتریان را جلب می‌کنند.

سیب بدخشان

در این نمایشگاه برخی از باغداران سیب، ناک و سایر میوه‌های افغانستان را از ولایات مختلف به نمایش گذاشته اند. آن ها می‌گویند که این نمایشگاه بهترین فرصت برای معرفی و شناساندن محصولات شان به بازارهای داخلی و خارجی فراهم کرده است.

میرجان باغداری که از ولسوالی بهارک بدخشان در این نمایشگاه غرفه دارد می‌گوید به همکاری بنیاد آغاخان توانسته بهترین حاصلات را از باغش به دست آورد: «این سیب ها بسیار علاقمند دارد و هیچ گونه کود کیمیایی در آن استفاده نشده بلکه در اثر مدیریت و آبیاری منظم، ما درخت‌های سیب را تربیت کردیم که دفتر آغا خان در این کار با ما همکاری کرده است.»

هنوز زراعت در افغانستان سنتی است و تلاش‌ها برای ماشینی ساختن آن جریان دارد. هنوز زراعت در افغانستان سنتی است و تلاش‌ها برای ماشینی ساختن آن جریان دارد.

از شهکارهای تازه آکادمی علوم افغانستان!

مجید الرحمن الرحیمی



مطالب، بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد. اما بازم این‌ها بدون در نظر گرفتن قانون، به شکل خودسرانه حکومت‌ها و سیستم‌های استبدادی خود را در اداراتی که مسوول آن تعیین می‌شوند، اعمال می‌کنند. ما قطعاً این اقدام غیرعلمی و دانش‌ستیزانه ثریا پوپل رییس آکادمی علوم را محکوم و نکوهش می‌کنیم و از همه هموطنان آزاده و دانشمندان و نویسندگان کشور می‌خواهیم که این گونه اقدامات خودسرانه و علم‌ستیزانه را محکوم کنند و برای اعاده حیثیت آقای روستایی از وی حمایت همه‌جانبه کنند.

ادامه صفحه ۷

در ادامه تحریکات قومی و علم‌ستیزی‌های حلقات راسیست و تمامیت‌خواه در آکادمی علوم افغانستان، و پس از رسوایی نشر کتاب اتنوگرافی افغانستان، و توهین به قوم شریف هزاره، مجازات خبرنگار تلویزیون ملی بلخ به‌خاطر کاربرد اصطلاح دانشگاه از سوی کریم خرم وزیر اطلاعات و فرهنگ آن‌زمان، و اعمال سیاست کتاب‌سوزی؛ این بار رییس جدید آکادمی علوم خانم ثریا پیکان تصمیم گرفته است یکی از رتبه‌های علمی یکی از پژوهشگران، نویسنده گان و فرهنگیان فرهیخته کشور آقای میرزامحمد روستایی را به جرم این‌که در کتاب اخیرش زیر عنوان «عارف جاه‌آبی و ویژه‌گی‌های اشعارش»، برای اشخاصی هم‌چون عبدالرحمان خان، حبیب‌الله خان و نادرخان کلمات ظالم و ستمگر را به کار برده است، پایین آورد و یا حتی توبیخ او را سلب رتبه نماید.

معلوم نیست این آکادمی علوم است که در آن دانشمندان با فراغ بال بتوانند آثار علمی خود را منتشر کنند یا اداره تفتیش عقاید! چه نسبتی بین توهین به یک قوم و انتقاد از یک زمام‌دار ستمگر وجود دارد که آن را بهانه‌ی برای اعمال چنین سلیقه‌های استبدادی ساخته‌اند؟ در ثانی این عمل رییس آکادمی علوم چه‌قدر با قوانین کشور و ضوابط آکادمی علوم همخوانی دارد؟ با وجود آن‌که در ماده ۳۴ قانون اساسی به‌روشنی تصریح شده است که:

- ۱- «آزادی بیان از تعرض مصون است»
- ۲- «هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.»
- ۳- «هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر

سفیر امریکا در کابل:

عدم امضای توافقنامه امنیتی، باعث قطع کمک‌ها به کابل خواهد شد

بستگی به امضای توافقنامه امنیتی کابل-واشنگتن دارد. کاتینگهام تصریح کرد: اگر این توافقنامه تکمیل و امضا نشود بسیاری از اقداماتی که هم اکنون به افغانستان انجام می‌دهیم در آینده ادامه نمی‌یابد.

سفیر امریکا همچنین گفت: کشورش هرگز برای سربازان خود «مصونیت قضایی» نخواسته، بلکه آنان تنها خواستار «صلاحیت قضایی» برای سربازان خود هستند.

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که چندی پیش، کارل لیون رییس کمیسیون کمیته خدمات نظامی مجلس سنا امریکا نیز ادامه کمک‌های کشورش به افغانستان را مشروط به امضای توافقنامه امنیتی عنوان کرد.

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شوند که قرار است تا اواخر ماه جاری، دولت افغانستان لویه جرگه مشورتی را به منظور تصمیم‌گیری در مورد امضای توافقنامه امنیتی برگزار نماید.



سفیر امریکا در کابل هشدار داده است که در صورت عدم امضای توافقنامه امنیتی کابل-واشنگتن، ادامه کمک‌های امریکا به افغانستان ناممکن می‌شود. این مقام امریکایی در ادامه گفت: برنامه‌های اقتصادی و امنیتی امریکا با هم مرتبط‌اند و اجرای آنها در افغانستان

عبدالرحمن کبیری والی پنجشیر شد

شایستگی لازم برخوردار می‌باشد، طی حکم مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول و سرپرست مقام عالی ریاست جمهوری به عنوان والی ولایت پنجشیر مقرر گردید.

پیش از این دگرجنرال کرام‌الدین کریم به حیث والی پنجشیر ایفای وظیفه می‌کرد. آقای کریم اخیراً از سوی رییس‌جمهور کززی به عنوان رییس تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک گماشته شد.

براساس حکم معاون و سرپرست ریاست‌جمهوری، عبدالرحمان کبیری به عنوان والی ولایت پنجشیر تعیین گردید.

اداره امور و دبیرخانه شورای وزیران در خبرنامه‌ی گفته است: "به اساس پیشنهاد اداره مستقل ارگان‌های محل، عبدالرحمان کبیری فرزند عبدالمنیر معاون ولایت پنجشیر که دارای تحصیلات عالی بوده و از تجارب خوب و

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰